

قهرمان بوکسی که در رینگ زندگی وامانده است

گفت‌وگو با سجاد ایمانی؛ کارگردان مستند «عالیجناب»

علی کشاورز



سجاد ایمانی خود را یک مستندساز علاقه‌مند به خصوصیات رفتاری، اعتقادی و اخلاقی انسان و درگیر مسائل جامعه می‌داند. ابایی ندارد که بگوید برای مخاطب خاص فیلم نمی‌سازد و دوست دارد فیلم‌هایش علامه‌پسند و دارای قصه باشند. به همین دلیل است که این بار هم پس از چند تجربه پرمخاطب مثل «جوگر»، «تشریفات خصوصی»، «مل سرخ» و... سراغ یک قهرمان سابق بوکس می‌رود که زندگی پرفرازونشیب و دوگانه‌ای از او را به تصویر بکشد. مستند «عالیجناب» حاصل دوسال تلاش کارگردان و ۵۰ جلسه فیلمبرداری است. سجاد ایمانی هم‌اکنون به فکر ساخت مستندی از زندگی سینمایی ابراهیم حانمی‌کیا؛ کارگردان سینمای ایران است.

در کار فیلمبرداری و طبیعتاً روند تولید وقعه ایجاد کرد. مشکل آخر، کار در شهرستان‌های کوچک است؛ چون معمولاً در این شهرستان‌ها به عوامل حرفه‌ای دسترسی نداریم و از آن طرف صدور مجوزهای مربوطه توسط مسئولین این شهرستان‌ها به سختی صورت می‌گیرد و اغلب این مسئولین به دلیل نداشتن علم کافی به سینما و رسانه باعث سنگ‌اندازی‌هایی در روند کار می‌شوند؛ اما با همه این‌ها در نهایت کار نهایی و ساخته شد.



از دید شما، چه نکاتی مستند «عالیجناب» را نسبت به سایر مستندها شاخص کرده است؟

به نظر من این فیلم از حیث نزدیکی به سوژه‌ها و نشان دادن صحنه‌هایی از زندگی زناشویی و خصوصی آنان، چه در حالت شادی و چه غم شکار شده، خیلی شاخص است و شاید در کمتر فیلم مستندی شاهد این میزان از نزدیکی و راحتی باشیم.

حضور فیلم‌های مستند را در جشنواره فیلم فجر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جشنواره فیلم فجر ویرترین سینمای ایران است و وقتی فیلمی در جشنواره فجر شرکت می‌کند، از بعد رسانه‌ای خیلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به جز مسائل مربوط به زمان آکران در سانس آخر، اتفاق خوب دیگر، آکران مردمی فیلم‌های مستند است. ما در جشنواره سینما حقیقت مخاطبان خاص و تخصصی در حوزه مستند را داریم، ولی در این جشنواره مخاطبان عادی و عام هم به فیلم اضافه می‌شوند و فیلم را می‌بینند و قضاوت می‌کنند.

در «عالیجناب» با چه گونه و هدفی از مستندسازی مواجه هستیم؟

«عالیجناب» مستندی اجتماعی است که به ساده‌ترین زبان، بحث شرافت را مطرح می‌کند که بسیار مهم و تأثیرگذار است و در جامعه امروز ما واقعا کم‌رنگ و قابل بحث شده است. من این موضوع را در قالب زندگی یک قهرمان سابق بوکس پیدا کردم و به آن پرداختم.

باتوجه به فرازونشیب شخصیت و وجود برخی صحنه‌ها، اینطور حس می‌شود که سوژه گلهی متوجه حضور دوربین نیست. آیا او کماکان موافق بخش این موارد از زندگی خصوصی و یازناشویی خود است؟

به‌عنوان یک فیلمساز مستند، اولین و مهم‌ترین اصل برای من حفظ شأن و شخصیت سوژه‌هاست. به همین دلیل بعد از اتمام کار ابتدا فیلم را به سوژه نشان دادم و به جز یک صحنه در فیلم که به قوام برمی‌گشت و بنا به مسائل خانوادگی آن را با توافق حذف کردیم، کل فیلم مورد تأیید و رضایت او قرار گرفت. حتی برای آکران، دو شخصیت اصلی فیلم در جشنواره فجر حضور خواهند داشت.

مشکل اصلی مستندهایی از جنس «عالیجناب» چیست؟

بزرگ‌ترین مشکل ما مستندسازها پیدا کردن تهیه‌کننده و مباحث مالی پروژه‌هاست. البته من توانستم یک تهیه‌کننده خوب یعنی آقای دانش‌پژوه را پیدا کنم که در روند ساخت فیلم، همکاری‌های خوبی هم میانمان شکل گرفت. اما در خصوص این مستند، مشکل ما به سوژه برمی‌گشت، چون او برای مدتی به زندان رفت و دسترسی گروه ما به او قطع شد و این موضوع

است که خیلی‌ها باید آن را بشنوند.

باتوجه به این خواسته‌ای که دارید، به نظر شما در زمان آکران مخاطب عام با فیلم ارتباط برقرار خواهد کرد؟

من فکر می‌کنم این فیلم در آکران موفق خواهد بود، به این دلیل که بازگوکننده صدای مردم است.

امسال در یک‌روز، دو فیلم از شما آکران می‌شود؛ یکی «روز بلوا» که آن را کارگردانی کرده‌اید و دیگری «مغز استخوان» که در آن بازی کرده‌اید، تجربه حضور در این فیلم چگونه بود؟

من وقتی می‌خواهم در یک فیلم بازی کنم، معیارهای مختلفی دارم. به طور خاص در مورد این اثر باید بگویم که چندین سال است با آقای قربانی دوست هستم و همیشه نگاه و دقت او را دوست داشته‌ام. وقتی او این نقش را به من پیشنهاد داد، تصمیم نداشتیم که در کاری بازی کنیم و بیشتر دنبال این بودم که درگیر کارهای خودم باشم، ولی هم شخصیتی که آقای قربانی برایم گفت نسبت به کاراکترهای قبلی که آن‌ها را بازی کرده بودم متفاوت‌تر بود و هم دوست داشتم با او همکاری کنم، برای همین به دل کار زدم و حالا خیلی خوشحالم که این فیلم را بازی کردم، برای اینکه با یک کارگردان کار بلد و خوب کار کردم.

بهر روز شعبی هم در کارگردانی خود را به اثبات رسانده است و هم در بازیگری، کدام یکی از این دو حرفه را بیشتر دوست دارید؟

راستش را بخواهید در حال حاضر بیشتر کارگردانی دغدغه من است، ولی به روز شعبی بازیگری رطبی به نسخه کارگردانش ندارد. چون هم معیارهایش فرق دارد و هم وقتی بازیگری می‌کند، خیلی از این کارش لذت می‌برد و برای همین وقتی پیشنهاد خوبی برایش مطرح می‌شود، نمی‌تواند بازیگری را کنار بگذارد. کما اینکه من به عنوان بازیگر خیلی پرکار و فعال نیستم ولی اگر واقعا کار خوبی باشد حتما دغدغه بازی در آن را دارم.

پیش‌بینی شما از فیلم «مغز استخوان» چیست، فکر می‌کنید دیده می‌شود؟

من امیدوارم این اتفاق برای «مغز استخوان» بیفتد. البته چون خودم هنوز کار را ندیده‌ام قاضی خوبی برای پاسخ این سوال نیستم!

چند روزی از آغاز جشنواره گذشته است، امسال توانستید فیلمی را در جشنواره ببینید؟

نه متأسفانه، اصلاً فیلمی ندیدم.

اصولاً در جشنواره‌ها فیلم می‌بینید یا نه؟

اصولاً بله، ولی این دوره به دلیل درگیری‌هایی که داشتم هنوز موفق نشدم.

فیلمی از آثار جشنواره امسال هست که دوست داشته باشید حتما ببینید؟

بله، فیلم رفقای خودم را دوست دارم ببینم. چون به نظرم کارگردان‌های خیلی خوبی در هم دوره‌های‌های ما هستند و فیلم‌های خوبی ساخته‌اند. البته اگر وقت داشته باشم دوست دارم همه فیلم‌های جشنواره را ببینم.

«روز بلوا»؛ نمونه‌ای خوب برای برخورد با مدیریت‌های اشتباهی

روح انگیز شمس (کارگردان و مدرس دانشگاه)

گردیده و همچنین پازل ماجراهای فیلم و شخصیت‌ها به خوبی چیده شده است، به گونه‌ای که تماشاگر را به شکل فعال در پرداخت و در نهایت شناختن شخصیت، در مسیر داستان حرکت می‌دهد. فیلم در نشان دادن شخصیت‌هایش موفق عمل کرده و اشاره‌های فیلمنامه‌نویسان آنقدر کافی بوده که تماشاگر می‌تواند به شکل کلی شخصیت را در ذهنش ترسیم کند و وارد جهان او شده و اعمالش را درک کند. به طور کلی می‌توان گفت «روز بلوا» نمونه خوبی برای برخورد با مدیریت‌های اشتباهی و نادرست سیاست‌های اقتصادی در جامعه امروز ایران است.

«روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعبی با هدف نشان دادن مظلومیت روحانیت در قالب آزمون یک روحانی؛ «عماد بدیعی» بر بستر زندگی به تصویر کشیده شد. متنی که سعی کرده بود انگیزه‌های دینی را مدنظر قرار دهد و نسبت به شخصیت‌های روحانی سمپاتی ایجاد کند. فیلمساز، شخصیت اصلی را با شناسه‌هایی از دیگر آدم‌ها متمایز کرده است. عماد بدیعی در یک فضای ملتهب بحرانی که یک دفعه بر او تحمیل گردیده، سعی می‌کند از خود و هم‌نوع خود دفاع کند و دست‌های نامرتبی مدیران فاسد را آشکار نماید. پرورش و هدایت درست شخصیت‌های ماجرا باعث قوام داستان

